



رهایی از «لیلة القبر» برای رسیدن به «لیلة القدر»

اگر از لیلة القبری به درآمدی، لیلة القدر می‌شوی! اینکه در درونش گورستان فتنه هاست، گورستان غیبت هاست، گورستان آمال و آرزوهاست، شکمش هم گورستان حرام هاست؛ این «لیلة القبر» است، نه لیلة القدر!

اگر از لیلة القبری به درآمدی، لیلة القدر می‌شوی! اینکه در درونش گورستان فتنه هاست، گورستان غیبت هاست، گورستان آمال و آرزوهاست، شکمش هم گورستان حرام هاست؛ این «لیلة القبر» است، نه لیلة القدر! گفتاری از آیت الله جوادی آملی درباره لیلة القدر: لیالی قدر برای ما تعیین کننده است. صرف آموزش گناهان مرده‌ها مطرح نیست. اینها یکی از زوایای فرعی لیلة قدر است. شرح صدر طلب کردن، ظهور ولی عصر را مسئلت کردن، گسترش فرهنگ اسلامی را خواستن، وفاق ملی را مطرح کردن، کینه‌ها را از دل زدودن و صدها معارف و معالی دیگر در صدر خواسته‌های ماست؛ آموزش گناهان هم جزء خواسته‌های ماست. ولی عمده آن است که گناه رخت ببرند، نه گناه بیاید و آمرزیده شود! عمده آن است که از خدا بخواهیم که اهل معصیت نباشیم.

رهایی از «لیلة القبر» برای رسیدن به «لیلة القدر»

از خدا بخواهیم که آن توفیق را، آن معرفت را، آن محبت را به ما عطا کند که ما هم لیلة قدر بشویم. آنها که لیلة قدر شدند، اسوه مایند. اگر درباره فاطمه زهرا (س) آمده است که او لیلة قدر است، این سخن از سنخ تمثیل است و نه تعیین. یعنی 14 انسان کامل هر کدام لیلة قدرند. و اگر آنها لیلة قدرند، شاگردان آنها می‌توانند در حوزه ایمانی خود لیلة قدر بشوند. تو لیلة القدری، بدان؛ در صورتی که از لیلة القبری بیرون بیایی! همه بزرگان به ما گفتند: اگر از لیلة القبری به درآمدی، لیلة القدر می‌شوی! اینکه در درونش گورستان فتنه هاست، گورستان غیبت هاست، گورستان آمال و آرزوهاست، شکمش هم گورستان حرام هاست؛ این «لیلة القبر» است، نه لیلة القدر!

اگر از لیلة القبری به درآمد، «لیلة القدر» می‌شود؛ آنگاه خیر من الف شهر (1) می‌شود، یک نفر بیش از هزار نفر می‌شود، آنگاه کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن الله (2) خواهد شد. یک شب اگر بر هزار ماه فضیلت دارد، یک انسان هم بر هزار گروه فضیلت دارد. در صورتی که از لیلة القبری به دربیاید، لیلة القدر بشود. اینها نظیر اسماء الله نیست که توقیفی باشد! اگر به ما گفتند: فاطمه زهرا (س) لیلة قدر است، یعنی ای زنان عالم! شما هم می‌توانید در حوزه ایمانی خود به دنبال مولا و سیده خود، لیلة القدر بشوید. و اگر کسی قرآن در جان او جلوه کرد، او همین لیلة القدر را در حوزه ایمانی خود خواهد داشت.

محفوظ بودن قلب مالا مال از معارف قرآن از آفات نسیان و عذاب الهی

مرحوم امین الاسلام طبرسی در ذیل این آیه که خدای سبحان برخی را در دوران سالمندی به نسیان مبتلا می‌کند، منکم من یرد الی ارذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئا (3)؛ این حدیث نورانی را نقل کرد: الا قلبا قد رای القرآن. مگر قلبی که ظرف قرآن باشد، در دوران پیری به نسیان مبتلا نمی‌شود و خدا چنین قلبی را هم عذاب نمی‌کند بنابراین آموزش گناهان یکی از فوائد جزئی این ادعیه است. عمده، گسترش اسلام است و ظهور ولی ماست، عمده رفع نفاق و حضور و حصول نفاق است و صدها خیر و برکت و مانند آن.

شفافیت جریان «شب قدر» در اسلام

به قدری لیلة قدر در اسلام روشن بود که مانند صاحب اصلی اش یعنی ذات اقدس اله ضمیر بدون مرجع آمده. یک وقت شما می‌خوانید: قل هو؛ این هو بدون اینکه مرجع قبلاً گفته بشود ذکر شده است. سرش آن است که لازم نیست اول اسم خدا را ببرند، بعد بگویند (او)! همین که گفتند (او)، معلوم است کیست. خدا معروف هر کسی است، محبوب هر کس است. در جریان لیلة قدر و قرآن آنقدر قرآن مشخص شده بود که بدون اینکه مرجع ذکر بشود، ضمیر به قرآن برگشت. فرمود: انا انزلناه فی لیلة القدر (4). این اولین آیه آن سوره است بعد از (بسم الله). قبلاً سخن از قرآن نبود، قبلاً سخن از وحی نبود؛ اما در اولین آیه سوره قدر می‌خوانیم: انا انزلناه فی لیلة القدر. معلوم است که ضمیر به وحی و قرآن برمی‌گردد! این لیلة قدر آنقدر شهرت پیدا کرد که شد ظرف قرآن کریم. و چون قرآن کریم محبوب و معروف همه بود؛ لازم نبود قبلاً نامی از آن برده شود تا ضمیر به آن برگردد.

سلام دائمی ملائکه در طول شب قدر بر همه مؤمنان روزه‌دار

(قدر) هم به معنای شرف و فضیلت است و هم به معنای تدبیر امور. شرف و فضیلت در این است که فرشتگان، مرتب به صائمین و صائمات سلام عرض می‌کنند. از اول شب تا مطلع الفجر ملائکه می‌آیند، سلام می‌کنند. این سلام ملائکه را اگر کسی بشنود، معلوم می‌شود ليله قدر را درک کرده است. گفتند: آیا برای شب قدر علامتی هست؛ گفتند: آری، هوای لطیف و ملایمی دارد. گاهی انسان احساس می‌کند یک نسیمی دارد می‌وزد، نسیم بهاره. خواه تابستان باشد، خواه پاییز و زمستان؛ آن نسیم ملایم بهاری را در شب قدر احساس می‌کند، می‌گویند: اینها همه نفحه رحمانی ليله قدر است، اینها اثر سلام ملائکه است.

این سلام کردن تنها مخصوص وجود مبارک ولی عصر نیست. آنچه مخصوص آن حضرت است، آن است که حقائق و مقدرات را به حضور آن حضرت تقدیم می‌کنند. اما فرشتگانی که نازل می‌شوند، به هر مؤمن روزه دار سلام می‌کنند. اگر سلام می‌کنند، برای آن است که یا سلام خدا را می‌رسانند، یا سلام ملائکه حامل عرش را می‌رسانند، یا سلام خود را ابلاغ می‌کنند. در سوره مبارکه احزاب فرمود: هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور (5) خدای سبحان همانطوری که نسبت به رسولش تسلیه و سلام دارد، نسبت به مؤمنین و مؤمنات هم تسلیم دارد. فرمود: هو الذی یصلی علیکم و ملائکته. خدا بر شما صلوات می‌فرستد، ملائکه خدا هم بر شما صلوات می‌فرستند تا شما را از ظلمت به درآورند و نورانی کنند.

پس چه کمالی برتر از آن است که انسان خود را به جایی برساند که خدا به او سلام بفرستد، ملائکه خدا به او سلام بفرستند! شب قدر به ما این قدر و شرف را خواهد داد که مخاطبان سلام و صلوات خدا و حمله عرش و خدا و ملائکه الهی باشیم؛ تا کدام مرتبه، نصیب مخاطب بشود، چه سلامی، او را دریافت بکند! پس قدر، هم به معنای شرف و فضیلت است، هم به معنای تقدیر امور. هم ما مقدرات جوامع انسانی، اسلامی و شیعی را از خدای سبحان مسئلت کنیم، هم شرف و منزلت مان را در این شب از ذات اقدس اله درخواست کنیم که ما را با آبرومندی در دنیا و آخرت اداره کند و به غیر خود واگذار نکند.

1- قدر/3

2- بقره/924

3- حج/5 4- قدر/1

5- احزاب/34

سخنرانی آیت الله جوادی آملی (دام عزه الشریف) در مراسم احیای شب 19 ماه مبارک رمضان - مسجد اعظم قم - 1383/8/12